

# کدام هوشمندی ایجاب می‌کند که...؟! نقدی بر مقاله احسان هوشمند در ویژه‌نامه کردستان (۲)

محمد قدمی  
(نامه‌وارده)

خطای تاریخی و حتی واقع شدن در تله‌های فریب یک کشور یا قدرت خارجی و داخلی شوند، اما هیچ‌گاه این نمی‌تواند بهانه‌ای برای حمله به بزرگان ملی و یا مذهبی در تاریخ شود. با این نگاه خطرناک حتی برخی از متفکران مذهبی شیعه و سنی معترض شخصیت استثنایی تاریخ، حضرت امام علی (ع) شده‌اند که مثلاً چرا با معاویه کنار نیامد و این همه مردم کشته شدند و یا حتی ممکن است متعرض امام حسین (ع) بشوند که چرا با وجود علم به شکست، با یزید کنار نیامد...؟! این تفکر روشنفکری اوهام‌آمیز خطرناکی است. برخی روشنفکران ما مانند کسی که در هواپیماهای دارای پرواز در ارتفاع بلند می‌نشینند، هستند، آنها وقتی به بالای ابرها رسیدند، اوهام برشان می‌دارد و ابرها را پایگاه و مأمنی می‌پندارند و دیگر دنیای واقعی و زمینی را نمی‌بینند و با خواندن و یادگیری اندکی معلومات پولیتیکی، سوشیولوژیکی و سایکولوژیکی (سیاست، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی) و با فلسفه غرب و امثال اینها در آکادمی‌ها و یدک کشیدن عنوان دکتر، فوق‌لیسانس، نویسنده، روزنامه‌نگار، محقق و... فکر می‌کنند از همه افراد جامعه و حتی بزرگان ملی و مذهبی در تاریخ و کوران مبارزات بالاتر هستند و نکاتی را به مدد اسناد «خود یافته» یا «دیگران ساخته» کشف می‌کنند که گویی مبارزان بزرگ از آن بی‌خبر بوده‌اند و به راحتی اعضای احزاب را به بی‌سوادی و کم‌سوادی متهم می‌کنند، صرف‌نظر از این که روش علمی نقد تاریخی ایجاب می‌کند که با بهره‌گیری از تمامی اسناد موجود (پس از تأیید اعتبار و سندیت قطعی آنها) و در نظر گرفتن شرایط و زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معادلات موجود قدرت در سطح منطقه، امکانات و محدودرات نهضت‌ها و

۱- آقای احسان هوشمند مطالبی در خصوص حزب دموکرات کردستان ایران و تاریخچه آن به روایت اسناد (که اعتبار آن قطعیت ندارد) در نشریه چشم‌انداز ایران به مدیرمسئولی آقای مهندس لطف‌الله میثمی از مبارزان سابق نوشته‌اند که در نگاه اول روش علمی تحقیق، اسناد تاریخی، اعتبار، روایی، بی‌طرفی و جامعیت از آن به چشم می‌خورد که البته چون نویسنده آن را از نزدیک نمی‌شناسم نمی‌توانم اتهام قلم به مزدی! را مانند بعضی از دوستان به ایشان وارد کنم و امیدوارم در قلم و تقریر نامبرده سوءنیتی نباشد و قصد وی صرفاً برشمردن اشتباهات تاریخی به جهت ضرورت درس گرفتن از آنها در مبارزه مرحله مدرن امروزی کردها باشد، اما شکستن تابوهای ملت مظلوم کرد را در هر حال هرچند به بهانه به کارگیری روش علمی و تاریخی به صلاح نمی‌دانم، چه حمله به خانواده قاضی‌ها در ایران فاقد حکومت محلی کردی از سوی «هوشمندی» باشد و چه حمله به بارزانی‌ها در عراق دارای حکومت کردی از سوی «دکتر کمال سیدقادر» (گرچه کمال سیدقادر متأسفانه از سوی دادگاه اربیل به حبس سنگین محکوم شده و توقع عفو وی از سوی خانواده بارزانی باوجود قطعیت خطای وی وجود دارد).<sup>(۱)</sup> و بویژه در ایران که قاضی‌ها، دفاع و حمایتی ندارند از نظر اخلاقی مطلقاً حمله به این خانواده و سرسلسله آن، مرحوم قاضی محمد (مبارز شهیدی که در زمان حکومت ستمشاهی مردانه همچنان که شایسته مردان بزرگ تاریخ است قرار و چوبه دار را بر فرار و کنج کنار ترجیح داد و تا پای فداشدن خود و نزدیکانش پای آرمان‌های ملی و مذهبی (هر دو نه تنها یکی) ایستاد، هرچند به بهانه نقد تاریخی و علمی صحیح نیست. گرچه شاید بیشتر بزرگان مرتکب احیانا

حرکت‌های سیاسی و روحیات خاص رهبران آنها به نقد عملکرد احزاب نشست و ابداً اکتفا به سندهای منفرد، وجهی ندارد.<sup>(۱)</sup> باید گفت که عنصر صداقت در انگیزه و نیت مهمترین فاکتوری است که وجود آن در رهبران نهضت‌ها آنها را از هر اتهامی مبرا می‌کند حتی وابستگی و اتکای مرحله‌ای و تاکتیکی به کشورهای مجاور نیز نمی‌تواند برای نهضت‌های نوپا عیب تلقی شود. امروزه حتی کشورهای مدعی اسلامیت، استقلال و میهن پرستی، به روس یا انگلیس و یا امریکا به تناسب منافعتان وابستگی‌هایی دارند. وجود صداقت در مرحوم قاضی محمد آنچنان پررنگ است که مقام او را در زمره صدیقین مردم کرد می‌برد که ضمن حفظ شریعت مقدس اسلام حاضر نبودند ذره‌ای از حریت، هویت، آزادگی و عزت خود را پایمال شده ببینند و در این راستا هیچ‌گونه تحقیر را قبول نکردند.

۲- من بسیار متأسفم که آکادمی‌های ما امثال من مدعی روشنفکری را بیرون بدهد که با سرهم کردن چند اصطلاح جامعه‌شناسی و... و بهانه کردن پایان‌نامه و پروژه تحقیقی پای در وادی‌هایی بنهیم که میدان مبارزه مردان جانفشانی همچون قاضی باشد. این مطالعات واقعاً باید میدانی، حضوری و شهودی با حضور در تاریخ و در میان مردم باشد نه کتابخانه‌ای و اسنادی که موجب انحراف شود و حتی اگر هدف تذکر استراتژیکی و راهبردی باشد باید به گونه‌ای احسن حفظ ادب شود، گرچه ممکن است منسوبان نهضت و حرکتی، خطایی بکنند و این دلیل انحراف قاطبه یک حزب نیست. کدام حرکت تاریخی است که در آن انحراف و سوءاستفاده وجود نداشته باشد؟! با عرض معذرت ما روشنفکران واقعاً هیچ حرفی از خودمان نداریم معمولاً حرف‌های غربی‌ها را بازگو می‌کنیم. ما باید تحلیل و حرف خود را در ظرف جامعه خودمان بگوییم. من شخصاً به این لحاظ از دکتر عبدالکریم سروش خوشم می‌آید که با وجود تدریس در دانشگاه‌های غربی در اظهار نظرهایش بسیار ساده، روشن و مصداقی، به دور از اصطلاحات پیچیده صحبت می‌کند. ما باید خود را در شرایط قاضی‌ها قرار بدهیم و بعد قضاوت تاریخی بکنیم. هرگونه نقد در حوزه علوم انسانی فارغ از در نظر گرفتن علم اخلاق و فلسفه حرکت‌ها و محدودیت‌های موجود در ظرف زمان و مکان ابر است و جامعیت، استناد و مقبولیت ندارد. ما نمی‌توانیم بی‌جهت حرمت‌ها را بشکنیم و روابط انسانی، عاطفی، روحیات و آرمان‌های قهرمانان را در نظر نگیریم و صرفاً به ظاهر رفتار آنها توجه کنیم، بلکه باید اضطراب‌ها، مشکلات و اولویت‌های آنها و بعضاً توسل جستن اجباری آنان به بعضی روش‌ها را در نظر داشته باشیم. کسی از ما نخواسته که خود را برای هر جریانی به کشتن دهیم (اظهارات آقای هوشمند در نشریه سیروان برای دفاع ازخودش).

اما نباید به خود هم اجازه دهیم هر افاضاتی را به‌عنوان تحقیق تاریخی و علمی به خورد مردم بدهیم، گرچه مردم عامی غیرروشنفکر بویژه در میان کردها همواره نشان داده‌اند که عقل و شامه تشخیص اجتماعی - سیاسی آنها با تکیه بر تجربیات و شهودات خودشان

قبول نیست. با این که در کشور من مدعی روشنفکری هیچ دادگاهی به خاطر این نقد مرا محکوم نمی‌کند و بلکه امکان تقدیر از سوی برخی تدروها وجود دارد. با این که منصفان تاریخ‌نویسی ایران حتی انقلابیون مسلمان، تاریخ مبارزات قاضی، پیش از انقلاب را

این که وابستگی خاصی به هیچ یک از احزاب داشته باشد آنچه در ویژه نامه چشم انداز ایران (کردستان ۲) به دنبال گفت و گو با برخی افراد ملی - مذهبی آمده را نقدی علمی و تاریخی مستند نمی داند و معتقد است مبارزات ملت کرد در طول تاریخ برای دفع تجاوزات، تحقیرها و پایمال شدن حقوقشان از سوی حکومت های مسلط بوده است. گرچه بعضاً در برخی مقاطع از کردها استفاده ابزاری شده و از صداقت، پاک دینی و پاک نیتی کردها و نیز از شجاعت آنان بهره برداری سیاسی صورت گرفته است. پس از انقلاب اسلامی در ایران و پس از فروکش کردن تعارضات قومیت ها با حکومت مرکزی در ایران و در شرایط کنونی با این که حقوق کردها به عنوان یک قومیت از نظر عمرانی و اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مدیریتی کاملاً ادا نشده است، اما رضایت نسبی، امنیت و تفاهم نسبی وجود دارد که امید است با گرایش عدالت گرایانه دولت کنونی وضعیت از این بهتر شود و اسلامیت و ایرانی بودن و منافع مشترک باعث اتحاد بیشتر کردها با دولت و ملت ایران شود.

بانه

#### پی نوشت:

- ۱- در همه حکومت های مستقر خط قرمزها و تابوهای وجود دارد که روشنفکر و عامی به بهانه دموکراتیک یا خسوت گرایی نمی تواند متعرض آنها شود. در ایران بیشتر روشنفکران در بند دخیل در این مقوله اند.
- ۲- این روش نقد تاریخی، نقد ارگانیک و سیستمی نام دارد و صحیح ترین روش نقد نهضت ها و مبارزات سیاسی است.
- ۳- هیچ روشنفکر امروزی در شرایط سخت مبارزاتی هریک از این بزرگان بویژه مرحوم قاضی نشانه عدم فرهیختگی و یا سوء نیت ناقد است.<sup>(۳)</sup> صاحب این قلم بدون

و ملاحظه ظاهر و نتایج اعمال حاکمان، روشنفکران و... از تشخیص روشنفکران، متفاوت تر و بلکه بسیار قوی تر است و بررسی نتایج انتخابات کشورمان در دو دهه اخیر به راحتی این مطلب را نشان می دهد. گرچه برخی همه این تغییرات را که هیچ گاه نمی توانستند پیش بینی علمی کنند به «پوپولیسم» مرتبط می دانند، ولی واقعیت چیز دیگری است و تاریخ دانی، سیاست فهمی و جامعه شناسی تنها آن چیزی نیست که روشنفکران در آکادمی یا کتاب ها می خوانند و به واسطه آن به خود می بالند، بلکه درایت واقعی سیاسی در متن مردم است. امروزه حتی امثال حجازیان ها می گویند: «واقعا نمی توانیم پیش بینی ای داشته باشیم».

۳- در نقد جریان های سیاسی و حزبی هیچ گاه معتقد به مبرابردن احزاب سیاسی کردی از عیوب و نقص نبوده و نیستیم و مقطع پس از انقلاب احزاب کردی در ایران توسط نگارنده همین سطور نیز در مقاله ها و کتاب هایی با بی رحمی تمام نقد شده، اما بعضی شخصیت ها واقعا تابو هستند و تابلوی آزادگی، صداقت و مجاهدت ها. اینان نباید چهره شان به راحتی مخدوش شود: شیخ عبدالله نهری، شیخ محمود برزنجی، شیخ سعید بیران، شیخ احمد بارزانی، ملامصطفی بارزانی، مرحوم قاضی محمد و... دیگران که وجهه مذهبی و ملی را با هم دارند با این که متعلق به دوران مبارزه مدرن کردها نیستند، اما باید حرمتشان پاس داشته شود. اینان به خاطر تحریک های خارجی صرف و یا تحریکات فتودال ها یا تعصبات مذهبی خاص یا... مبارزه نکرده اند. اینان پیشقراولان مبارزه با استعمار بوده اند. اگرچه منکر اشتباهات تاریخی در برخی مقاطع نیستیم، اما در هر صورت حمله مستقیم به شخصیت هر کدام از این بزرگان بویژه مرحوم قاضی نشانه عدم فرهیختگی و یا سوء نیت ناقد است.<sup>(۳)</sup> صاحب این قلم بدون

## فوائدگان محتره نشریه

با ارسال نظرات و پیشنهادات خود ما را در هر چه

پربارتر کردن نشریه یاری کنید

meisami40 @ yahoo.com

http://www.meisami.com